

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۴۷

۲۶ اپریل ۲۰۱۳

نه «هفت» را می بخشیم، نه «هشت» را !

تاریخ افغانستان مانند هر کشور دیگری یا با روزهای حماسه آفرین و درخشان رقم خورده است و یا هم روزهای سیاه و تاریک را تجربه کرده که خاطرات تلخ و آسیب های وارده از آن تا سالهای متمادی ملت ما را به تباهی کشانده است. هفتم ثور ۱۳۵۷ که مصادف با کودتای ننگین حزب دموکراتیک خلق بود، سرآغاز تمامی بدبختی هائی محسوب می شود که مردم ما تا اکنون صدمات آن را با گوشت و پوست خود لمس می کنند.

هفت ثوری ها که با کمک مستقیم باداران روسی خود و کودتای نظامی بر اریکه قدرت نشستند، طی ۱۴ سال حاکمیت شان چنان دمار از روزگار مردم افغانستان کشیدند که باید چندین نسل خرابی ها و صدمات آن را جبران کنند. سوسیال امپریالیزم شوروی که دست پروردگان خود را یکی پی دیگری و بنا به اقتضای منافع سیاسی اش به کرسی قدرت می نشاند، با اشغال افغانستان در شش جدی ۱۳۵۸ زمام امور را کاملاً در دست گرفت.

هفت ثوری ها که با رفتار ناشیانه و جنایات بی شمار خود ملت ما را در مقابل خود قرار دادند، تصور می کردند با قساوت و استبداد خواهند توانست این ملت آزاده و سربلند را مطیع خود سازند. آنان تحت شعار «هرکه با ما نیست، دشمن ماست»، بیش از یک و نیم میلیون انسان این سرزمین را به کام مرگ فرستاده و صدها هزار تن دیگر را یا معلول و معیوب ساختند و یا هم در زندانهای مخوف به بند کشیدند؛ هشتاد درصد روستاها را تخریب و یک پنجم جمعیت کشور را مجبور به ترک دیار خود و آواره کشورهای همسایه کردند.

جنایتکاران هفت ثوری کوچکترین آوازی را در گلو خفه نموده و حتا تظاهرات صلح آمیز دختران مکاتب را با توپ و تانک سرکوب کردند. خیانت بزرگ دیگر هفت ثوری ها دامن زدن به اختلافات قومی با ایجاد غندهای قومی و ملیشائی بود و مهمتر از همه صاف کردن جاده برای نیروهای سیاه عقبرگرا بود که مردم افغانستان قبلاً هرگز آماده پذیرش آنان نبودند. همانطوری که سرنوشت هر رژیم پوشالی و وابسته جز سرنگونی و اضمحلال چیز دیگری نیست. «حزب دموکراتیک خلق» نیز که بعدها پالانش را بدل کرد و آن را به «حزب وطن» مبدل ساختند، راهی جز این نداشت.

مردم افغانستان که بعد از این همه قربانی و ایثارگری در مقابل اشغالگران روسی و عمال دست نشانده آنان انتظار داشتند تا از نعمت آزادی بهره مند شده و حداقل به آسایش نسبی دست یابند، اما تاریخ در هشت ثور ۱۳۷۱ که مصادف با سقوط رژیم پوشالی نجیب بود، به شکل سیاهتری ورق خورد و این بار قلب کشور آسیب دیده آماج حملات کین توزانه نیروهای قرار گرفت که حاضر بودند به خاطر رسیدن به قدرت، خون تمامی ساکنین شهر کابل را بریزند. تنظیم های بنیادگرا تمامی نقاط کابل را به سنگر جنگ قدرت میان خود تبدیل کرده و حتا بعضی از رهبران این

تنظیم ها فتوا دادند تا به خاطر تطهیر شهر از وجود گناهکاران، علاوه بر تخریب شهر باید تا عمق یک متر خاک آن را نیز برداشت و دور ریخت.

هشت ثوری ها که جنایات شان تا آن زمان در تاریخ کشور بی سابقه بود، با تسلط هر یکی بر بخش هائی از پایتخت، جنگ خونین را بر سر فتح مناطق دیگری آغاز کردند. آنان مناطق یک دیگر را با هزاران راکت و موشک هدف قرار داده، به خاک یکسان می نمودند.

هشت ثوری ها نه تنها از ریختن خون یک دیگر لذت می بردند بلکه خون مردم مظلومی را که در خانه های خود محصور مانده بودند پیشیزی ارزش نداده و هر آنچه در توان داشتند برای آزار و اذیت آنان انجام دادند. نیروهای ملیشائی تنظیمی روش های جدیدی را برای کشتن انسان های مظلوم به کار می بستند که حتا در هیچ کشور دیگر دنیا و توسط هیچ جنایتکاری تجربه نشده بود. رقص مرده، میخ به سر کوبیدن، زایمان در محضر عام، پستان بریدن، چشم کشیدن، گوش و بینی بریدن، گوشت انسانی را بر انسان دیگر خوردن، تجاوز بر زنان، مردان و کودکان و ده ها نوع جنایت دیگر در حق انسانهای مظلومی صورت گرفت که جرم شان نداشتن توان فرار از پایتخت بود.

تنظیم ها که هر کدام پیشوند و پسوند اسلامی داشتند و هر روز ائتلاف و جبهه جدیدی تشکیل می دادند؛ فتوای جهاد را علیه دوستان قبلی خود صادر کرده و با مخالفین قبلی جان و جگر می شدند. اما این مردم ناچار و فقیر پایتخت بودند که باید به قیمت خون، عزت و دارائی خود تاوان این ائتلاف ها و انفصال ها را می پرداختند.

در زمان حاکمیت هشت ثوری ها علاوه بر این که به جان و دارائی شخصی مردم رحم نشد، تمامی دارائی های عامه، آثار باستانی و دار و ندار کشور نیز به غارت برده شد. هشت ثوری ها که با هزار و یک رشته با حلقات مختلف شبکه های استخباراتی کشورهای همسایه، منطقه و قدرت های بزرگ جهان وابسته بودند، برای تحقق اهداف بیگانگان و تخریب کشور خود، آنچه در توان داشتند انجام دادند.

اکنون بعد از این همه جنایت، غارت و ریختن خون انسان های مظلوم و بیگناه، اینک نوبت به ائتلاف های جدید میان هفت ثوری ها و هشت ثوری ها رسیده است. اینان تلاش می کنند تا اینبار به ائتلاف های جدید خود رنگ سمتی، زبانی و قومی دهند تا از یکطرف به اهداف خود دست یابند و از جانب دیگر بتوانند حامیان خارجی شان را در غارت کشور ما راضی نگه دارند. هر دو در تلاش اند تا در فروختن خود به بیگانگان، گوی سبقت را از دیگری بریابند.